

علم اصول الفقہ

۲۴-۶-۹۲ مقدمه علم اصول فقہ ۴

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تعريف علم اصول

- تعريف علم اصول
- قواعد اصولی، عناصر مشترک قیاس فقهی هستند که به حکم شرعی در مرتبه‌ی ملاک، یا جعل، یا ابراز، و یا تنجیز ارتباط دارند (یعنی عناصری هستند که به خود شارع بما هو شارع مرتبط هستند)

تعریف علم اصول

- تمام قواعد اصولی، چه امارات چه اصول عملی شرعی و چه اصول عملی عقلی، داخل در تعریف خواهند بود و قواعد فقهی و مسایل رجالی از این تعریف خارج می‌شوند و به طریق اولی تعریف، شامل قواعد ادبی، مباحث بلاغی، مباحث منطقی و فلسفی نخواهد شد.
- با این تعریف یک جامع مفهومی بین مسایل علم اصول ایجاد کردیم که مرز علم اصول را از سایر علوم تعیین می‌کند و یک تحلیل و تحدید مفهومی از علم اصول عرضه می‌نماید.

تعریف علم اصول

- تعریف علم اصول
- علم اصول، علمی است که از حجت شرعی در فقه بحث می کند.

حجیت قطع

- حجیت قطع به شارع ارتباطی ندارد از این رو بحث از آن بحث اصولی نیست.

علم أصول الفقه

القسم الأول: الحجة
على الحكم أو المذهب

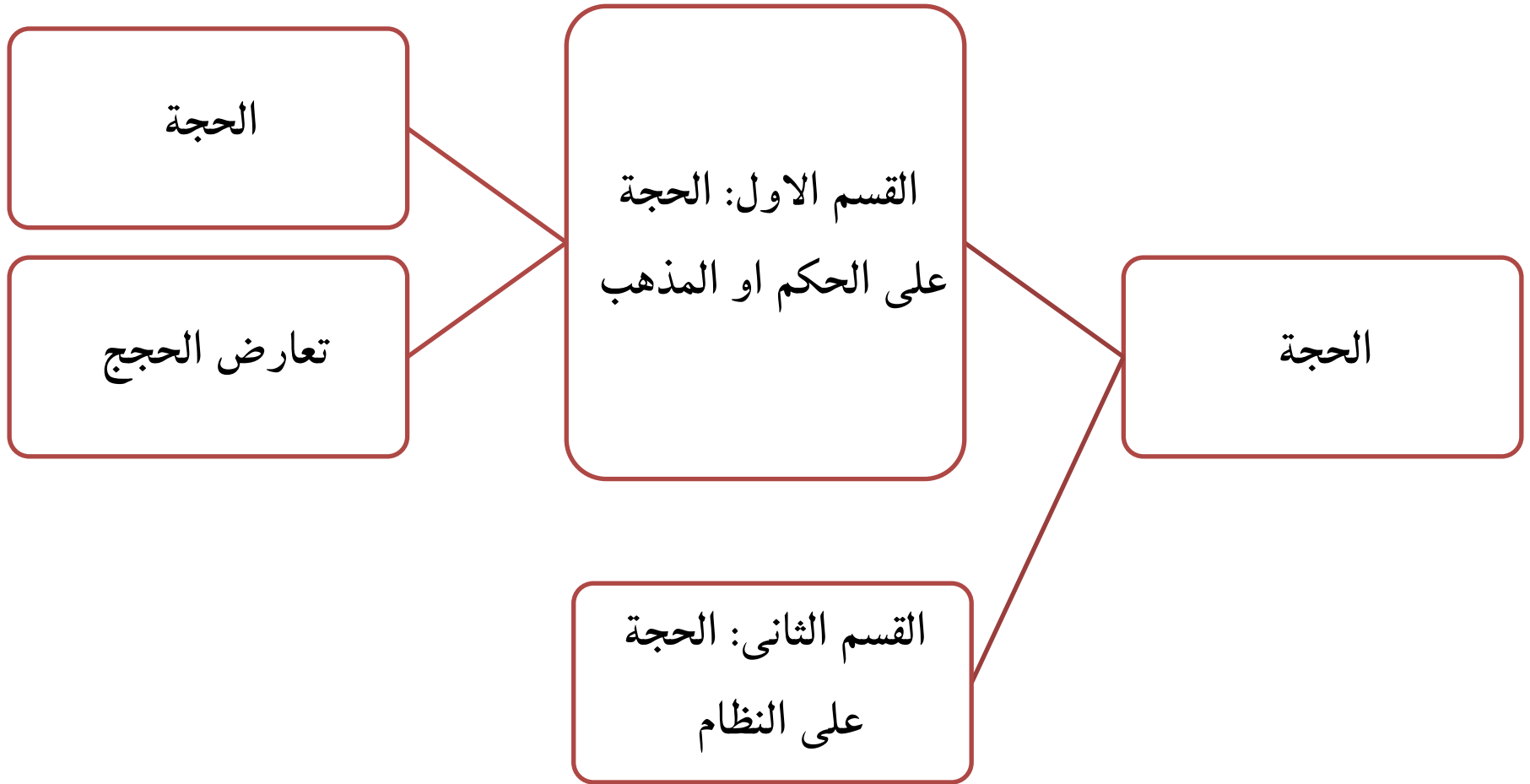
الحجة

القسم الثاني: الحجة
على النظام

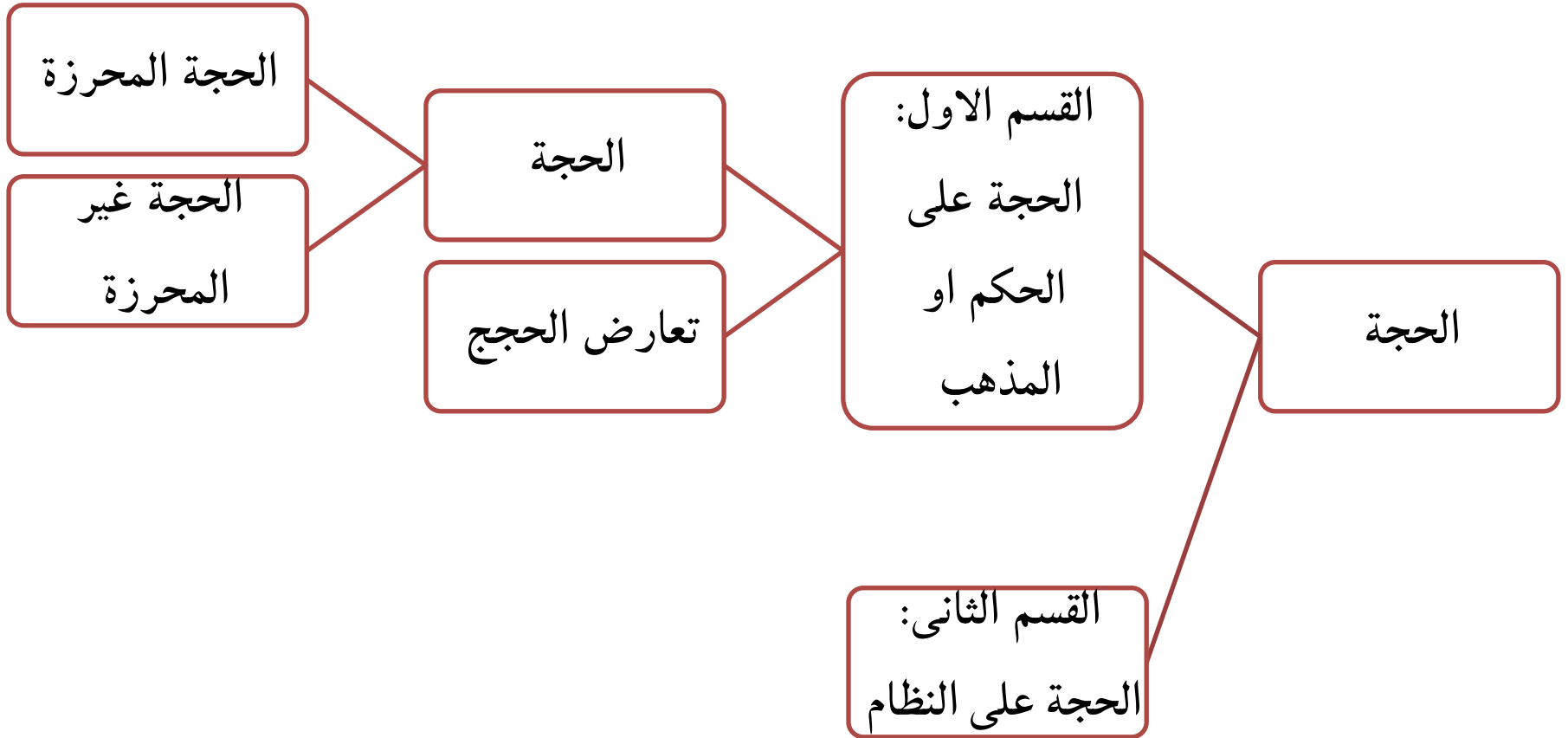
علم أصول الفقه



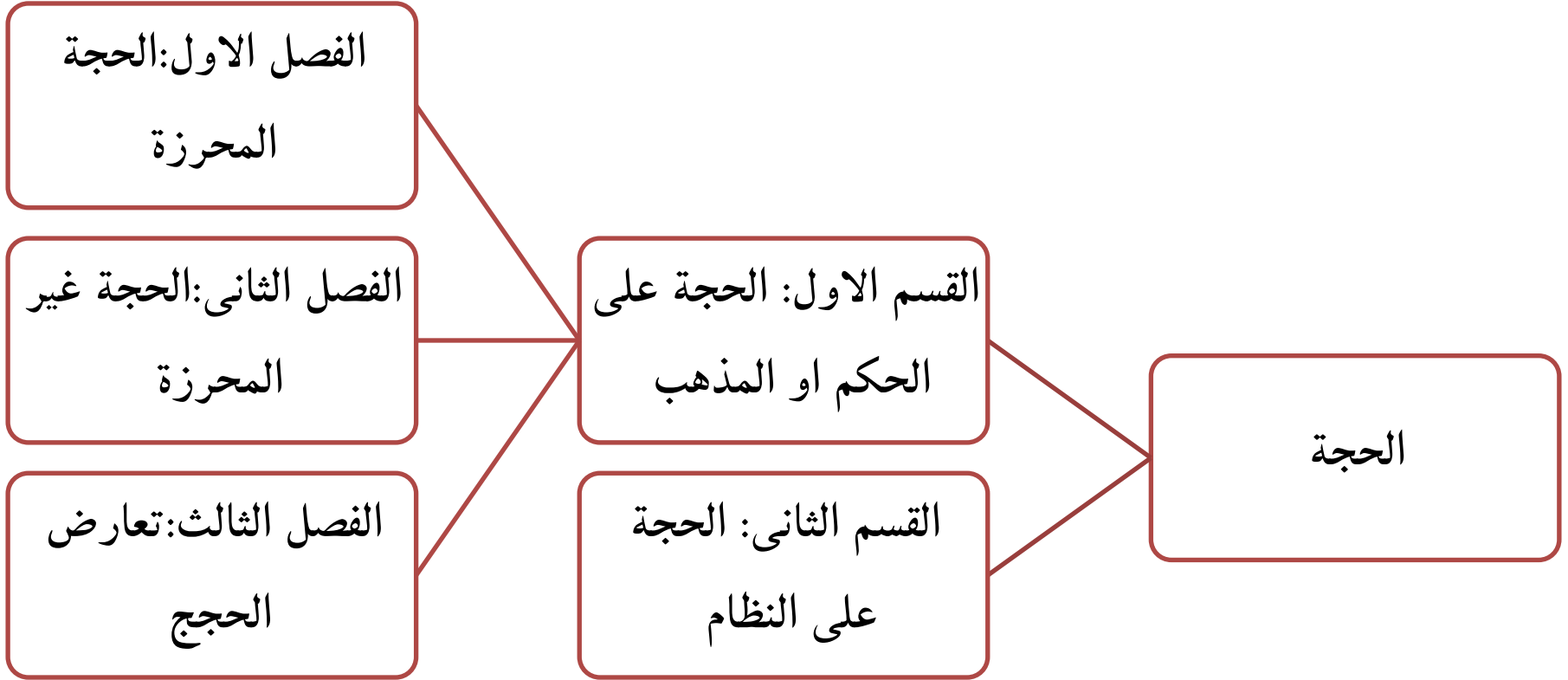
علم أصول الفقه



علم أصول الفقه

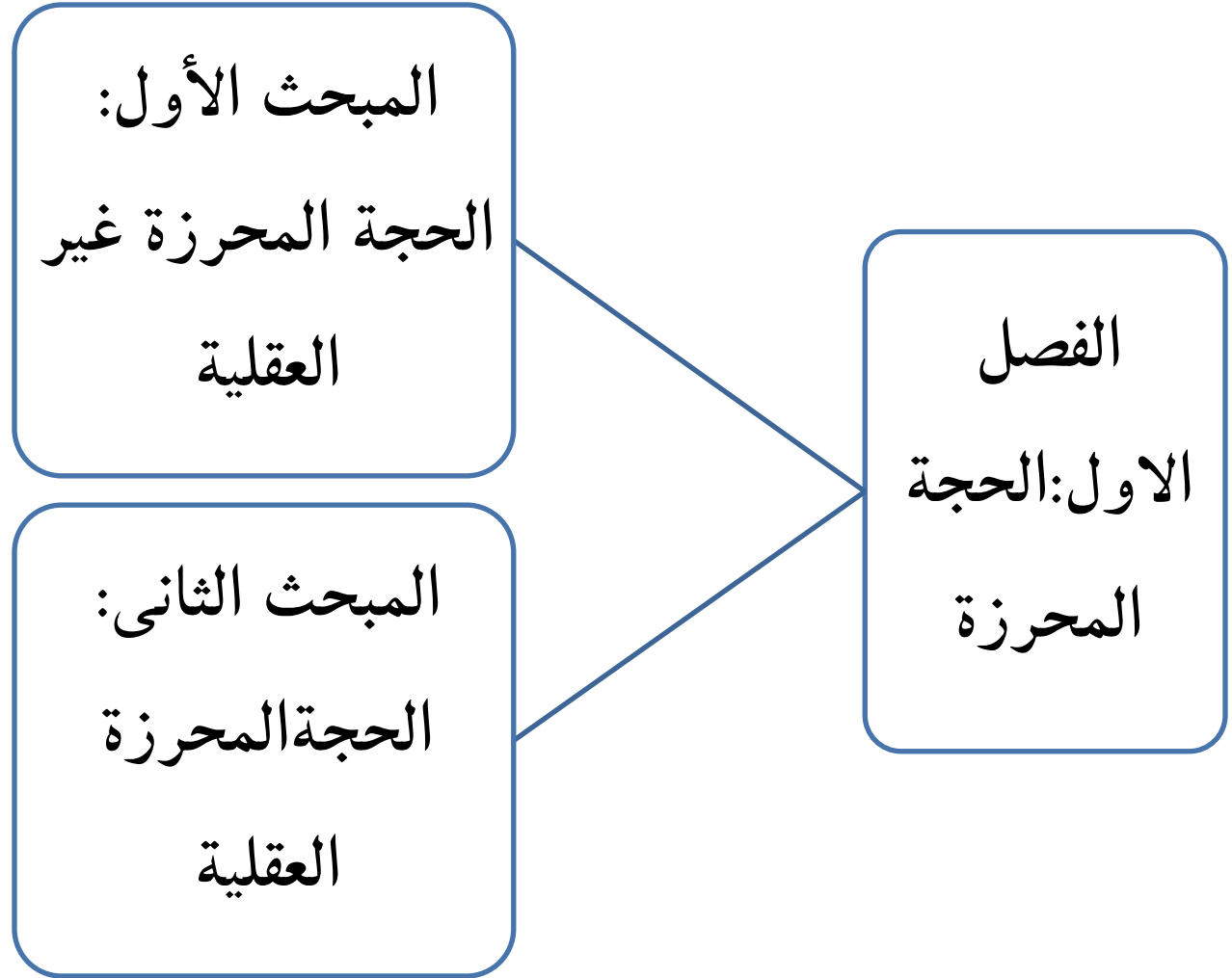


علم اصول الفقه



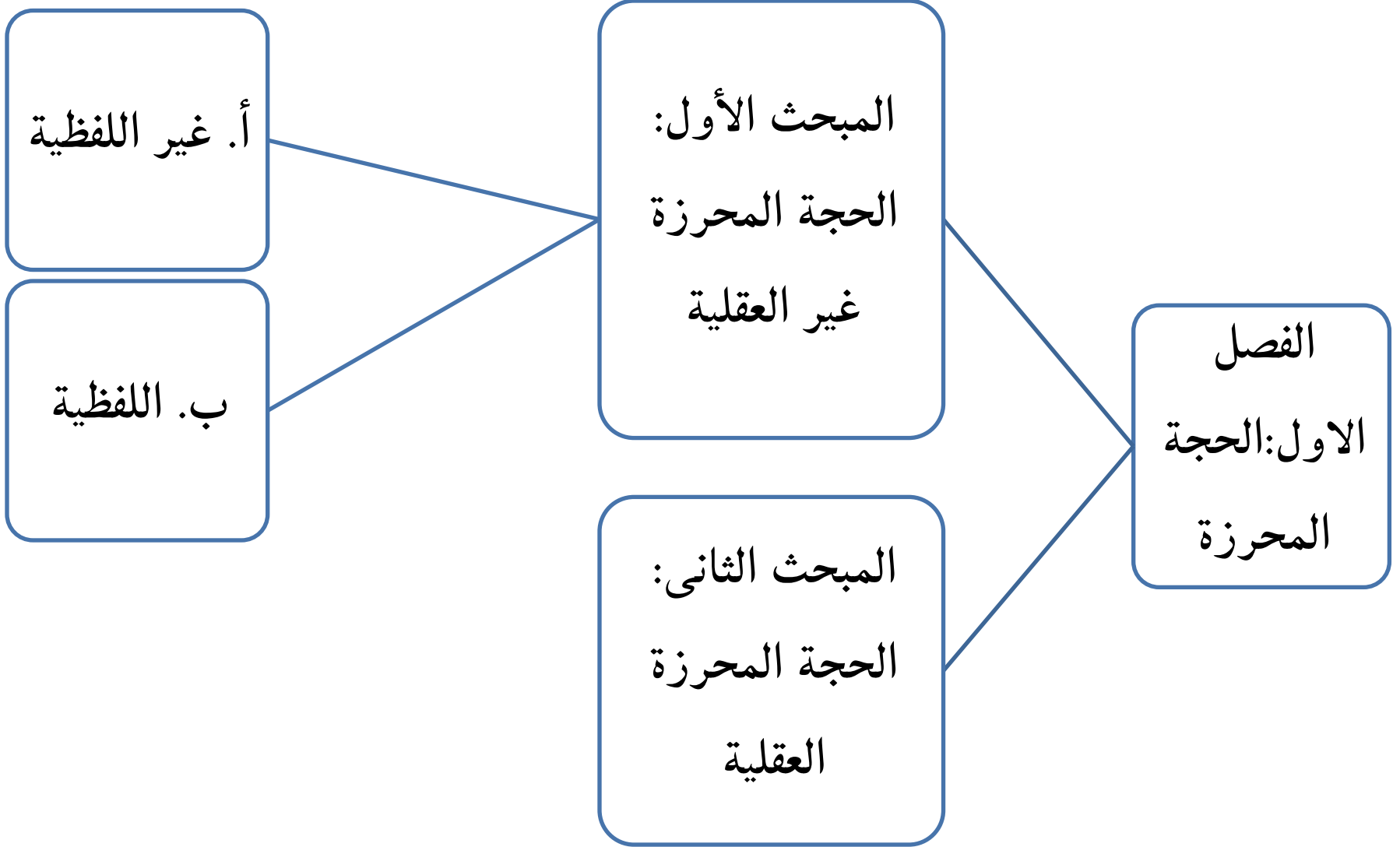
حجت محرزة

- در بحث حجت‌های محرزہ دسته اول یعنی غیر عقلی‌ها را مقدم می‌کنیم تا بحث‌های ما به اصول متعارف نزدیک‌تر شود.



حجت محرزة

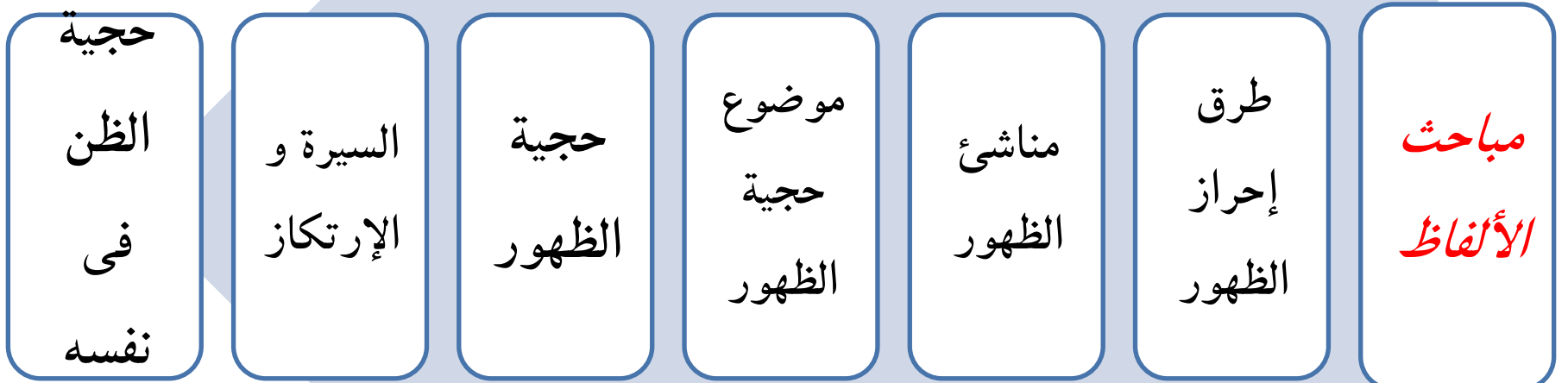
- همه حجت‌های محرزة عقلی از این باب حجت‌اند که مفید یقین هستند.
- حجت محرزة غیر عقلی همان قسمتی است که در اصول متعارف به آن امارات می‌گوییم.
- این قسم از قبیل ظنون است و می‌تواند لفظی باشد مانند آیه و روایت یا غیر لفظی باشد مثل اجماع و سیره عقلا.



ترتيب اصول متعارف

- **مباحث الألفاظ** (الظهورات التي يبحث عنها في علم الأصول)
- طرق إحراز الظهور
- مناشئ الظهور
- موضوع حجية الظهور
- حجية الظهور
- السيرة و الإرتكاز
- حجية الظن في نفسه

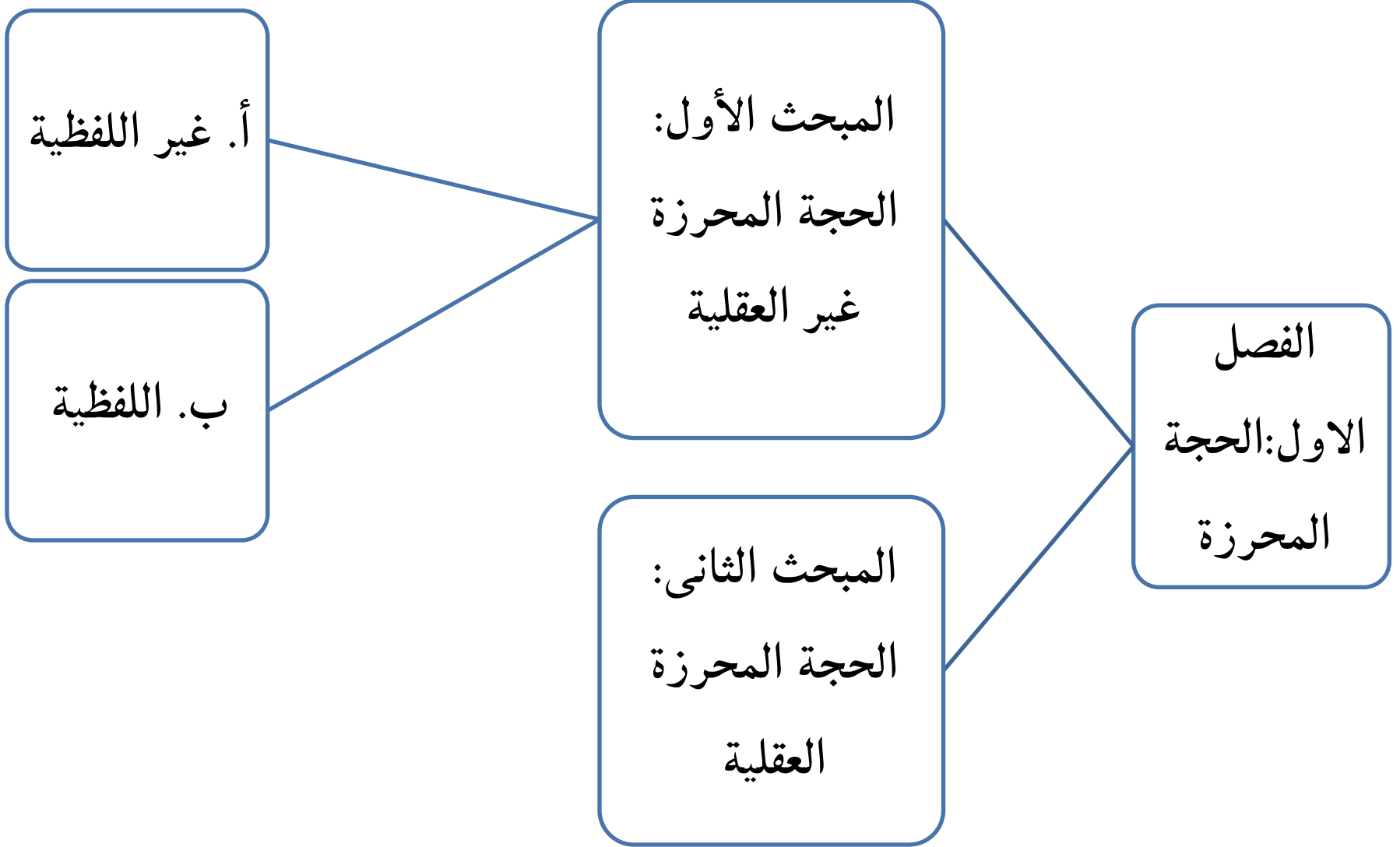
ترتيب اصول متعارف

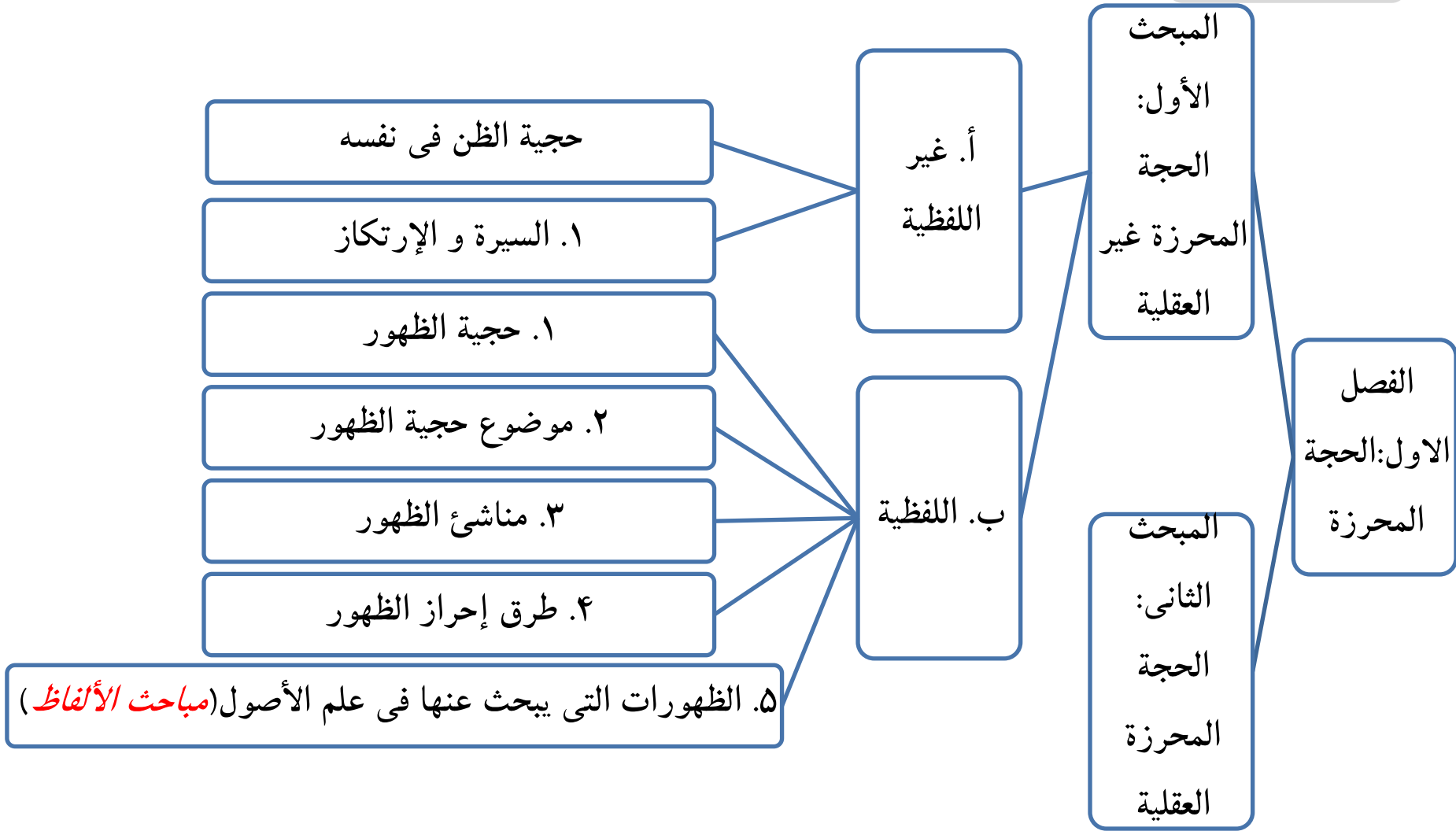


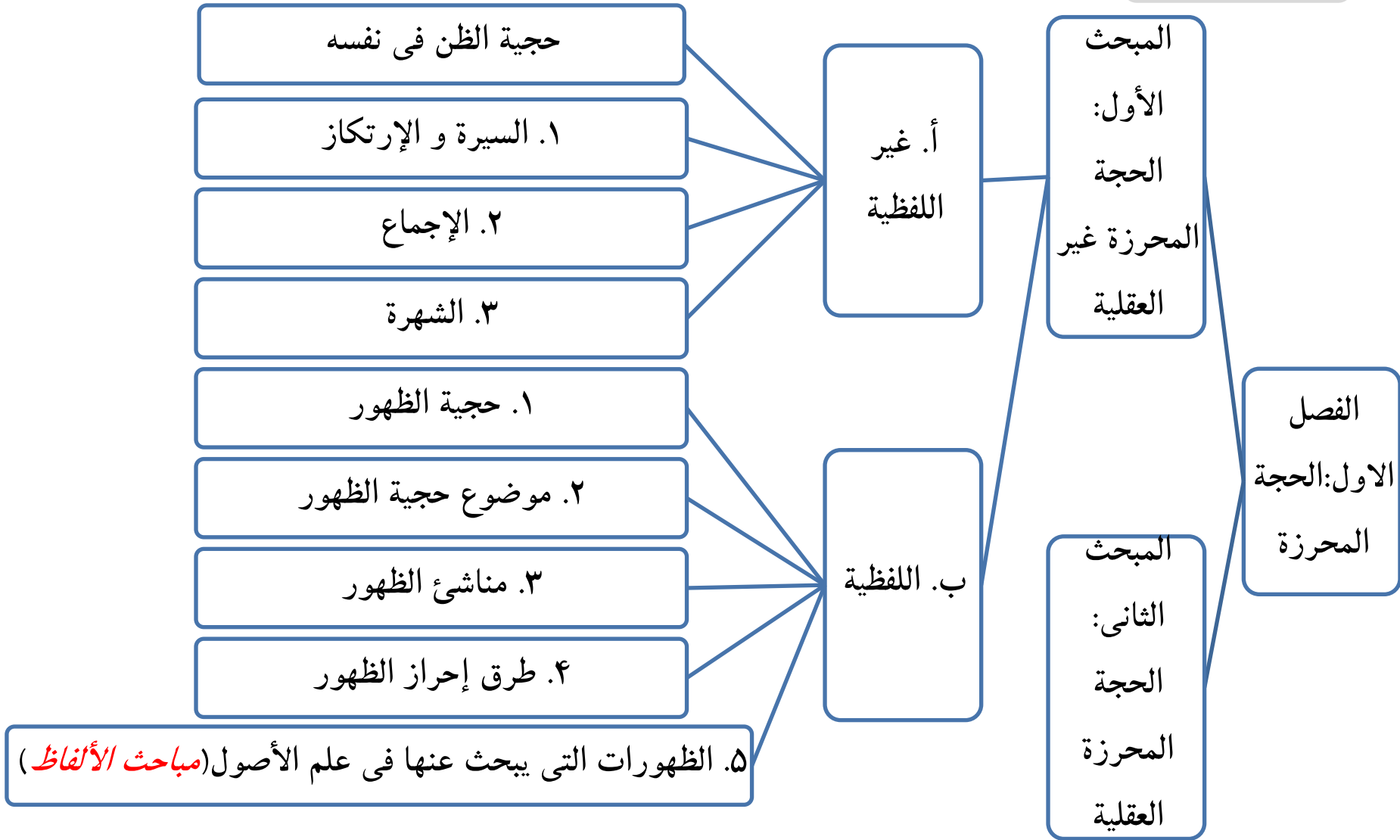
(الظهورات التي
يبحث عنها في
علم الأصول)

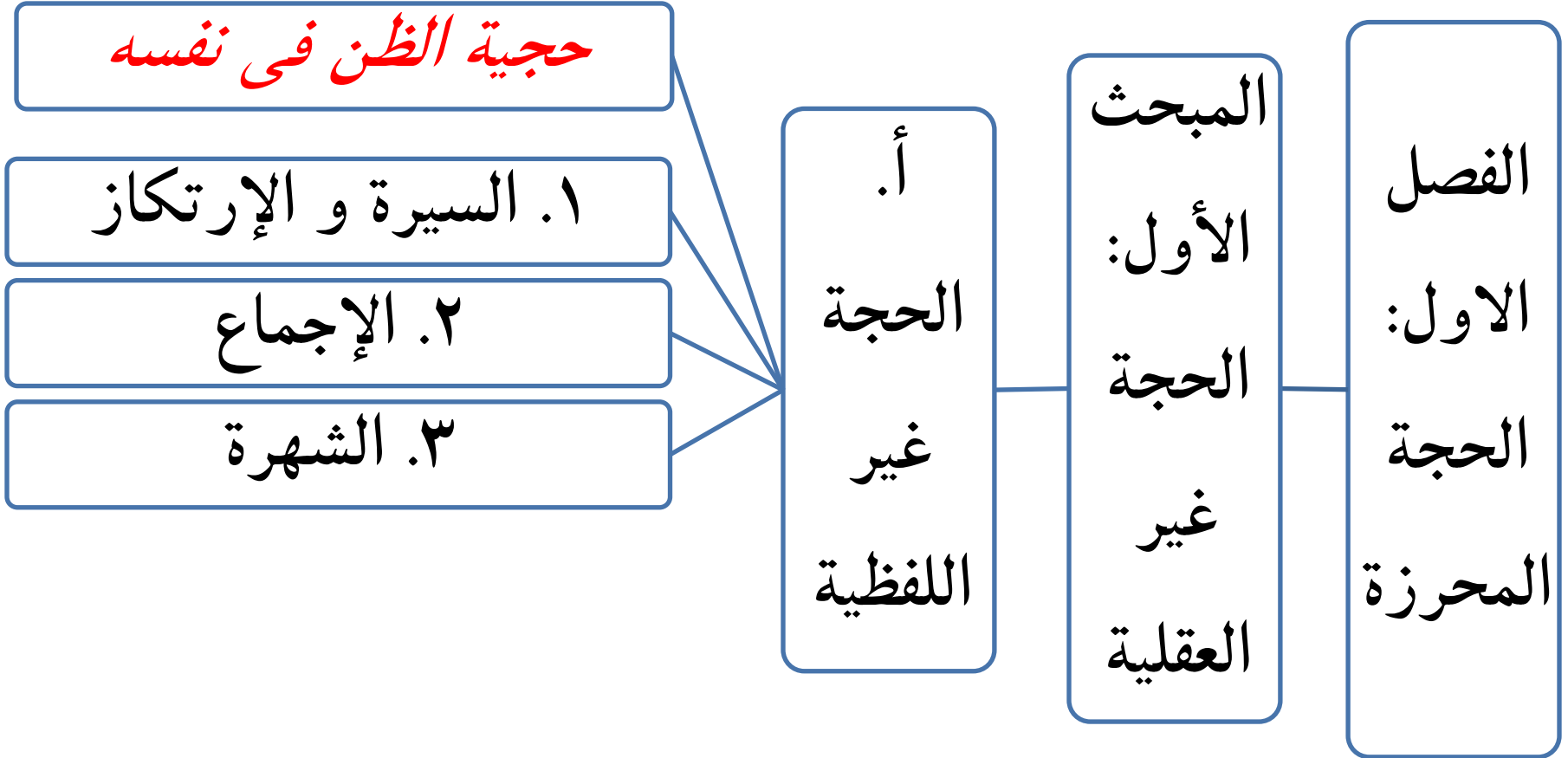
حجیت قطع

- حجیت قطع به شارع ارتباطی ندارد از این رو بحث از آن بحث اصولی نیست.









أ. ثبات و تغییر در دین

ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

ج. جمع بین حکم ظاهری و واقعی

د. اجزاء

هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

مبادی مشترک
تصدیقی

حجية الظن في نفسه

- از آنجا که در بحث **جمع بین حکم ظاهری و واقعی** پذیرفتیم عقلاً امکان دارد که ظن فی نفسه حجت باشد، باید قبل از پرداختن به ظنون خاصه مانند ظهور، بررسی کنیم که خودِ ظن فی نفسه حجت است یا نه.

حجية الظن في نفسه

- به نظر ما منطقی این بود که شیخ - رضوان الله تعالی علیه - بحثی را که اول و آخر مبحث ظن مطرح کرده است، هر دو را با هم در یک جا جمع و ذیل عنوان «حجية الظن في نفسه» بحث می کرد.

حجية الظن في نفسه

- شيخ - رضوان الله تعالى عليه - در بخش ظن قبل از ورود به امارات و حجیت ظنون خاص، دو بحث را طرح کرده است:

حجية الظن في نفسه

- ۱- امکان تعبد به ظن
- در آنجا شبهة ابن قبه را مطرح کرده است*.
- همان شبهه‌ای که در اصول متأخر منقح شد و ما آن را در فلسفه علم اصول ذیل بحث «جمع بین حکم ظاهری و واقعی» بررسی کردیم.
- * فرائد الأصول، ج ۱، ص ۴۰.

حجية الظن في نفسه

- بحث جمع بين حکم ظاهري و واقعي یکی از مبادی تصدیقی علم اصول است. در آن بحث مطرح شد که چگونه ممکن است شارع در همان حال که یک سری احکام در واقع دارد، ما را در ظاهر به احکامی مکلف کند که یا مماثل آن احکام واقعی هستند یا مخالف آنها؛ چون اگر مماثل باشند، شبهة اجتماع مثلین پیش می آید و اگر مخالف باشند، شبهة اجتماع ضدین در پی دارد.
- ما در آن بحث در نهایت نظریة شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - را قبول کردیم. (برای توضیح بیشتر، ر.ک: هادوی تهرانی، مهدی، تأملات در علم اصول فقه، کتاب اول، دفتر سوم، بحث جمع بین حکم ظاهري و واقعي.)

حجية الظن في نفسه

- ۲- وقوع تعبد به ظن.
- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - در اینجا به این بحث می پردازد که آیا خودِ ظن به خودی خود - یعنی مطلق ظن با قطع نظر از ادله‌ای که برای ظنون خاصه داریم - حجت است یا نه؟

حجية الظن في نفسه

- در واقع قبل از اینکه وارد بحث ظنون خاصه شود، بحثی را باز کرده‌است که اگر بخواهیم به آن عنوان بدهیم، باید بگوییم: «حجیة الظن فی نفسه».
- آن‌گاه وی یک بخش از این بحث را در اول مباحث ظنون و بخش دیگرش را آخر مباحث ظنون بیان کرد.

حجية الظن في نفسه

- در اول بحث ظنون می فرماید:
- التعبد بالظن الذي لم يدل دليل على التعبد به محرم بالأدلة الأربعة.*
- اصل اولی آن است که تعبد به ظنِ ناشی از ادلة اربعة حرام است.
- مقصودش این نیست که هیچ ظنی حجت نیست؛ چون خودش این همه از انواع ظنون بحث و حجیت آنها را اثبات کرده است، بلکه مقصود این است که ظن فی حد نفسه و با قطع نظر از دلیل خاص، حجت نیست.
- * فرائد الأصول، ج ۱، صفحه ۴۹

حجیة الظن فی نفسه

- آخر بحث ظنون وقتی همه ظنون خاصه را بحث کرد، به بحثی پرداخته است که به انسداد معروف شد؛ در حالی که انسداد بخشی از آن بحث، بلکه یکی از ادله مطرح در آنجا است.
- سپس نظر مخالفان خود را ذکر می کند که قائل اند فی حد نفسه حجت است.
- مخالفین شیخ - رضوان الله تعالی علیه - برای نظر خودشان ادله ای دارند.
- آخرین دلیلی که وی برایشان ذکر می کند، انسداد است. بعد یک یک این ادله را رد می کند.

حجیة الظن فی نفسه

- بعد از او نیز همه همین کار را کردند مگر بعضی مثل شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - در کتاب دروس فی علم الأصول؛ البته او در درس خارجش ترتیب کفایه را دارد و چون کفایه بر اساس ترتیب رسائل است، به طور طبیعی او نیز در درس خارجش همان ترتیب رسائل را دارد.

حجية الظن في نفسه

- سؤال این است که **ظن** یعنی حالتی که در آن احتمال خلاف (عدم مطابقت) کمتر از احتمال وفاق (مطابقت) است، **فی حد نفسه چه حکمی دارد؟**

حجیة الظن فی نفسه

- دو نظر در بین علمای اصول وجود دارد.
- نظر غالب می گوید حجت نیست و عده‌ای از اصولی‌ها با بیان‌های مختلف می گویند حجت است.
- شیخ انصاری - رضوان الله تعالی علیه - در گروه اول قرار دارد. تعبیر وی این است که تعبد به ظن حرام است و مقصودش از تعبد به ظن این است که ظن به یک حکم شرعی را معیار عمل خودمان قرار دهیم.

حجية الظن في نفسه

- ادلة شيخ برای حرمت عمل به ظن
- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - برای حرمت تعبد به ظن از قرآن، سنت، اجماع و عقل دلیل می آورد.

حجية الظن في نفسه

- و قبل الخوض في ذلك لا بد من تأسيس الأصل الذي يكون عليه المعول عند عدم الدليل على وقوع التعبد بغير العلم مطلقاً أو في الجملة فنقول التعبد بالظن الذي لم يدل دليل على التعبد به محرم بالأدلة الأربعة.

حجية الظن في نفسه

- و يكفي من الكتاب قوله تعالى قُلْ آتَىٰ اللَّهُ أذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَىٰ اللَّهِ تَفْتَرُونَ
دل على أن ما ليس بإذن من الله من إسناد الحكم إلى الشارع فهو
افتراء

حجیة الظن فی نفسه

- از قرآن به آیه ذیل استدلال می‌کند:
- «قل الله اذن لكم أم على الله تفترون» (بگوئید آیا خداوند به شما اذن داده است یا به خدا افترا می‌زنید) یونس، ۵۹
- ایشان می‌گویند این آیه دلالت می‌کند که آنچه به اذن الله نیست، افترا محسوب می‌شود. بنابراین اگر نسبت به حکم شرعی ظن داشته باشیم و نمی‌دانیم که آیا شارع به ما اذن داده‌است که به آن عمل کنیم یا نه، عمل ما به این ظن افترا بستن بر شارع به شمار می‌آید؛ چون از قبیل «أذن لكم» نیست و به تعبیری اذن الهی را احراز نکرده‌ایم و معلوم است که افترا عملی حرام است.

حجية الظن في نفسه

- و من السنة (قوله صلى الله عليه و آله في عداد القضاة من أهل النار:
و رجل قضى بالحق و هو لا يعلم)

حجية الظن في نفسه

- از سنت به این روایت تمسک می کنند:
- ۵-۳۳۱-۶- «۵» وَ عَنْهُمْ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا) عَنْ أَحْمَدَ (بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنْ أَبِيهِ **رَفَعَهُ** عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْقُضَاةُ أَرْبَعَةٌ ثَلَاثَةٌ فِي النَّارِ وَ وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ - رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - وَ رَجُلٌ قَضَى بِجَوْرٍ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَهُوَ فِي النَّارِ - وَ رَجُلٌ قَضَى بِالْحَقِّ وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ ***.
- وَ رَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ مُرْسَلًا نَحْوَهُ ***.
- *** حر العاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، ص ۲۲
- *** مفید البغدادی، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، ص ۷۲۲.

حجية الظن في نفسه

- در این روایت قضات به چهار دسته تقسیم شده‌اند:
- ۱- آن که به ناحق حکم می‌کند و می‌داند حکمش ناحق است.
- ۲- آن که به ناحق حکم می‌کند ولی نمی‌داند که حکمش ناحق است.
- ۳- آن که به حق (مطابق با واقع) حکم می‌کند در حالی که خودش نمی‌داند که حکمش حق است.
- ۴- آن که به حق حکم می‌کند و خودش می‌داند که این حکم حق است.
- از این چهار حالت فقط حالت اخیر بهشت را در پی دارد.

حجية الظن في نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - به فقره «رجل قضى بالحق و هو لا يعلم» استناد می کند.
- طبق این بخش از روایت کسی که به حق قضاوت کند؛ در حالی که نمی داند آنچه که حکم می کند حق است یا نه، از اهل نار خواهد بود.
- ایشان می فرماید کسی که به چیزی ظن دارد، هرچند آن مظنون مطابق با واقع باشد، در زمرة همین قسم قرار می گیرد؛ چون او نیز نسبت به واقع علم ندارد. بنابراین کاری که انجام می دهد حرام است.

حجية الظن في نفسه

- و من الإجماع ما ادعاه الفريد البهبهاني في بعض رسائله من كون عدم الجواز بديها عند العوام فضلا عن العلماء

حجية الظن في نفسه

- دليل سوم او اجماع است.
- وی از وحید بهبهانی - رضوان الله تعالى عليه - نقل می کند اجماع داریم که ظن بما هو ظن حجت نیست یا به تعبیر شیخ - رضوان الله تعالى عليه - تعبد به آن حرام است